



## «هم‌آیی واژگانی» و نقش آن در انسجام خطبه‌های نهج‌البلاغه

دکتر عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی<sup>۱</sup>

دکتر علیرضا نظری<sup>۲</sup>

### چکیده

هم‌آیی یکی از عوامل انسجام متن است که توسط زبانشناسان متن به عنوان یکی از عناصر متنوارگی مطرح شده است. در هم‌آیی، واژگان متن که به هر دلیلی دارای نمود مشترک در بافت زبانی هستند با پراکندگی خود در سطح متن باعث انسجام بخشی به پیکره متن می‌شوند. هم‌آیی از طریق مختلف همچون ارتباط با موضوع خاص، تقابل، شمول مشترک، عضویت در مجموعه‌ای خاص و جز آن در متن دیده می‌شود، هر چه کاربرد هدفمند این عامل در متنی بیشتر باشد، خواننده موضوع اصلی و فرعی متن را به نحو بهتری دریافت می‌کند. متن نهج‌البلاغه نیز از این امر مستثنا نیست و سبک کاربرد این عامل در خطبه‌ها قابل تأمل است. کارکرد هم‌آیی در نهج‌البلاغه بیشتر معطوف به دو قسم ارتباط با موضوع معین و تقابل است و این دو عامل نیز متأثر از زبان استعاری و سبک ادبی نهج‌البلاغه به شیوه‌های خاصی به کار رفته و در تعامل با دیگر عوامل انسجامی مطرح شده از سوی «هالییدی» و «حسن» مشاهده می‌شوند. ضمن آن که بسامد هر یک از عوامل فوق نیز در آن معنادار است و به تقابلی از جهان خیر و شر و نیکی و بدی اشاره دارد. واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، انسجام، هم‌آیی، موضوع مشترک، تقابل.

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - قزوین

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - قزوین

## مقدمه

نهج البلاغه، متنی جامع است که با قالبی ادبی مفاهیمی عمیق را در زمینه‌های مختلف عرضه کرده است. میزان توجه به این کتاب غیرقابل انکار و جنبه ادبی آن نیز دستمایه پژوهشهای فراوان دانشگاهی بوده است. اما نگاهی اجمالی به این پژوهشها حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق آنها به شیوه‌ای سنتی و با تکیه بر بلاغت قدیم به این متن گرانسنگ پرداخته‌اند. مقاله پیش‌رو با هدف رفع این خلأ و در جهت بررسی متفاوت نهج البلاغه سعی دارد با تکیه بر یکی از الگوهای جدید تحلیل متن، خطبه‌های نهج البلاغه را مورد پژوهش قرار دهد.

از جمله نواقص پژوهشها در خصوص نهج البلاغه، جزیی‌نگری و عدم بررسی متن و کلیت یک خطبه است، از این‌رو در این مقاله با تکیه بر الگوی «انسجام متن» که توسط زبان‌شناسان متن به عنوان یکی از عوامل متنوارگی مطرح شده است، تلاش می‌گردد یکی از عناصر انسجامی که نقش معناداری در انسجام بخشی خطبه‌های نهج البلاغه ایفا می‌کند، مورد تحلیل قرار گیرد و کارکردهای آن شناسانده و میزان اهمیت و بسامد کاربرد آن در خطبه‌ها مشخص گردد. اما بررسی متنی برای آن که تصویری کلی ارائه دهد، نیازمند داده‌ای پر حجم است تا علاوه بر کشف کارکردهای مختلف، بسامد هر یک از عوامل نیز معناداری یا عدم معناداری کاربرد عامل را بنمایاند، بر این اساس، ۳۰ خطبه از خطبه‌های نهج البلاغه با بیشترین حجم به عنوان پیکره این بررسی انتخاب شده است که در مجموع این ۳۰ خطبه (دشتی، ۱۳۷۹ش) در حدود نیمی از حجم کل خطبه‌های نهج البلاغه را در برمی‌گیرند که یک داده پژوهشی قابل اعتنا محسوب می‌گردد.

## ۱- چارچوب نظری

تسجام «cohesion» توسط «م. هالیدی» و «رقیه حسن» با تألیف کتاب «Cohesion in English» در سال ۱۹۷۶ مطرح گردید. آن دو انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد. (Holliday & Hasan, 1976:p 4). می‌توان گفت انسجام «عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن یعنی کلام را در واقع آن گونه که ما آن را می‌شنویم یا می‌بینیم با یکدیگر پیوند می‌دهد» (البرزی، ۱۳۸۶ ش:ص ۱۵۲) هالیدی و حسن پنج نوع عامل انسجام را که شبکه روابط معنایی بین جملات یا بندها و یا واحدهای گفتمان را تشکیل می‌دهد ارائه نمودند:

۱- ارجاع؛<sup>۲</sup> ۲- جایگزینی؛<sup>۳</sup> ۳- حذف؛<sup>۴</sup> ۴- پیوند؛<sup>۵</sup> ۵- انسجام واژگانی.<sup>۶</sup>

انسجام واژگانی، مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی خود با یکدیگر دارند و متن به واسطه این روابط می‌تواند تداوم و انسجام به خود بگیرد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ش: ص ۶۸) انسجام واژگانی، این ویژگی را دارد که واحدهای واژگانی بالذات متصف به انسجام هستند، به این معنا که برخی، برخی دیگر را تفسیر می‌کنند و نیازی به ادوات ربط صوری بین آنها نیست. (محمد، ۲۰۰۷م: ص ۱۰۵) این نوع انسجام خود به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: تکرار و هم‌آیی.

#### ۱-۱: هم‌آیی<sup>۶</sup>

هم‌آیی در واقع به «ارتباط عنصری با عنصر دیگر از طریق نمود مشترک و مکرری که در بافت‌های مشابه دارند اطلاق می‌شود.» (محمد، همان: ص ۱۰۹) به عبارت واضح‌تر به ارتباط همیشگی و مداومی که یک کلمه در یک زبان با کلمات معینی دارد گفته می‌شود، به گونه‌ای که با ذکر یک کلمه، کلمه خاص دیگر نیز انتظار ذکر شدن دارد. (فرج، ۲۰۰۷م: ص ۱۱۱)

هم‌آیی از طریق ارتباطات گوناگونی که واژگان با هم دارند در متن ظهور می‌یابد، به گونه‌ای که ممکن است کلمه‌ای با کلمات مختلف و تحت انواع مختلف مرتبط باشد. در تعریف ساعدی هم‌آیی یک‌جا آمدن عناصر واژگانی معینی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند در چارچوب موضوع یک متن است که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن می‌شود. (سعدی، ۱۳۷۱ش: ص ۱۱۴)

مشکلی که در خصوص هم‌آیی وجود دارد این است که انتساب یک یا چند کلمه که به نظر می‌رسد بین آنها رابطه‌ای خاص وجود دارد، همیشه امر آسانی نیست. (العدوانی: ۲۰۰۸م: ص ۷۳) برای همین «این نوع انسجام واژگانی سخت‌ترین نوع در تحلیل متن محسوب می‌شود؛ زیرا به شناخت پیشین خواننده از کلمات در بافتهای متشابه به علاوه فهم این کلمات در یک بافت مشترک متکی است.» (محمد، همان: ص ۱۰۹) و به گفته «محمد خطابی» ما معیار ابزاری (ماشینی) مسلم و قطعی در اختیار نداریم که با کمک آن

- 1 - reference
- 2- substitution
- 3- ellipsis
- 4- conjunction
- 5- lexical cohesion
- 6 - collocatin

یک واژه را به این مجموعه یا آن مجموعه نزدیک بدانیم. (خطابی، ۲۰۰۶م: ص ۲۵)  
هم آیی را به انواع زیر تقسیم کرده‌اند:

۱-۱-۱: ارتباط به موضوعی معین<sup>۷</sup>

گاهی برخی کلمات به دلیل کثرت حضور مشترک در یک بافت یکسان همدیگر را تداعی می‌کنند. مثلاً با ذکر جنگ جهانی کلماتی مانند متفقین، متحدین و جز آن به ذهن متبادر می‌شود. یا رابطه بیمار، پزشک، بیمارستان، دارو، عمل جراحی و داروخانه. یا مثالی که آقاگل زاده می‌آورد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵ش: ص ۱۰۸) و مثال ادبی آن مانند گل، سنبل، بلبل، سوسن، شمع، پروانه، شب و جز آن.

۱-۱-۲: تقابل یا تضاد<sup>۸</sup>

تقابل یا تضاد زمانی است که کلمات با شیوه‌های مختلف در تقابل و یا تضاد با یکدیگر باشند، برخی انواع تضاد، شدید<sup>۹</sup> هستند مانند زنده و مرده، متأهل و مجرد و یا تضاد متدرج<sup>۱۰</sup> مانند سرد و گرمی و یا تضاد عکس<sup>۱۱</sup> مانند خرید و فروش یا زن و شوهر و نوعی تضاد جهتی مانند بالا و پایین و همچنین تضاد عمودی، مانند چپ و راست (عمر، ۱۹۸۲م: ص ۱۰۲ - ۱۰۴)

این نوع از هم آیی در بلاغت قدیم از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی محسوب می‌گردید، که گاهی با آوردن دو ردیف از تضادها به دنبال هم به «مقابله» می‌انجامید، مانند این سروده متنبتی:

فلا الجودُ یفنی المالَ و الجدُّ مقبلٌ      و لا البخلُ یبقی المالَ و الجدُّ مدبرٌ

۱-۱-۳: رابطه جزء به کل<sup>۱۲</sup>

به رابطه‌ای گفته می‌شود که اجزای یک کل با خود آن کل دارند مثلاً درخت که کلی است دربرگیرنده ریشه، تنه، ساقه، برگ، میوه و جز آن می‌باشد و نویسنده «با ذکر بعضی از اجزا و صفات

- 7- association with particular topic
- 8- contrast or opposition
- 9- nongradable
- 10- gradable
- 11- conversness
- 12- part to whole

همراه یک موضوع تصویری خاص از آن ارائه می‌دهد» (فرج، همان: ص ۱۱۴)

#### ۱-۱-۴: رابطه جزء به جزء<sup>۱۳</sup>

رابطه اجزای کل با یکدیگر: مانند زلف، گیسو، طره، چشم، لب، گونه، ساق، ساعد که اجزای بدن هستند.

#### ۱-۱-۵: شمول مشترک<sup>۱۴</sup>

زمانی که دو کلمه، جزیی از یک کل منسجم نیستند ولی اجزایی از یک کلمه شامل‌تر محسوب می‌شوند، مانند زمین، ماه، خورشید، مریخ، ستاره و جز آن که زیر مجموعه کلمه شاملی مثل اجرام سماوی قرار می‌گیرند. یا رابطه‌ای که بین دویدن و پیاده‌روی و پرواز با واژه شامل رفتن وجود دارد، یا انسان و گرگ و اسب که مشمول معنای جاندار هستند. فرق این نوع از عوامل هم‌آیی با رابطه جزء به کل در این است که در رابطه جزء به کل مانند دست و بدن، دست جزیی از بدن است نه نوعی از بدن، اما در رابطه (انسان و جاندار)، انسان نوعی جاندار است. (عمر، همان: ص ۱۰۱)

#### ۱-۱-۶: واژگان مربوط به مجموعه‌ای منظم<sup>۱۵</sup>

نوعی هم‌آیی که از ارتباط واژگان مربوط به یک مجموعه منظم و با ترتیب خاص حاصل می‌شود: مانند رابطه شنبه و جمعه و دوشنبه در بین روزهای هفته و مثال دیگر: ماه‌های سال و اعداد و ارقام شمارشی.

#### ۱-۱-۷: واژگان مربوط به مجموعه‌ای غیر منظم<sup>۱۶</sup>

به ارتباطی که بین عناصر یک مجموعه غیر منظم وجود دارد گفته می‌شود. عناصر این مجموعه تقدم و تأخر ظاهری یا معنوی نسبت به هم ندارند. مانند رابطه سبز و سفید و آبی و قرمز در مجموعه رنگها.

(Holliday & Hasan, Ibid:p 285)

13- part to part

14 - co-hyponyms

15- membership in ordered set

16- membership in unordered set

## ۲- هم آیی در خطبه‌های نهج البلاغه

هم آیی همان‌طور که پیش‌تر آمد به ارتباط همیشگی و مداومی که یک کلمه در یک زبان با کلماتی معین دارد اطلاق می‌شود، به گونه‌ای که با ذکر یک کلمه، کلمه خاص دیگر نیز انتظار ذکر شدن دارد. (فرج، همان: ص ۱۱۱). در ادامه، چگونگی کارکرد این عوامل و میزان اهمیت هر کدام از آنها در ایجاد پیوستگی متنی نهج البلاغه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است برخی موارد هم آیی مانند تقابل و ارتباط موضوعی از نقش قابل توجهی در انسجام خطبه‌ها برخوردار هستند، اما دیگر عوامل هم آیی چندان کارکردی ندارند و می‌توان گفت اصولاً نقش انسجامی آنها قابل اعتنا نیست. لذا با توجه به مجال اندک در مقاله، صرفاً به دو عامل ارتباط با موضوع معین و تقابل یا تضاد اشاره می‌گردد که حجم و کاربرد بسیار پررنگی دارند.

### ۲-۱: مرتبط به موضوع معین

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین عامل انسجام واژگانی که ارتباط مستقیم با انسجام معنایی پیدا می‌کند همین عامل باشد. به عبارت دیگر از آن‌جا که یک متن دارای ویژگی مهمی به نام پیوستگی معنایی است و جملات تشکیل دهنده متن باید دارای روابط زیرین (ژرف ساختی) باهم باشند، این روابط در کاربرد واژگان به طور کامل منعکس می‌شود، به عنوان مثال واژگان مرتبط با موضوع جهاد در خطبه جهاد باعث هم آیی کامل خطبه در سراسر آن شده است:

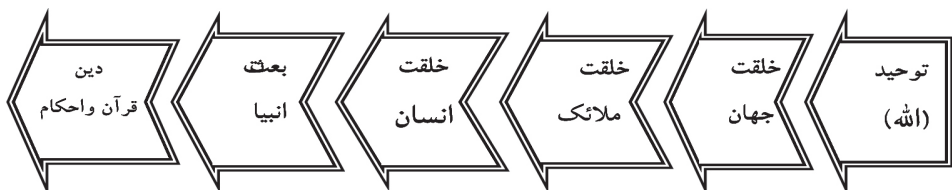
جهاد، درع، بلاء، ذلّ، قتال، اغزوا، شنت، اوطان، خیل، قتل، تخاذلتم، غارات، مسالح، تمتنع  
دم، مات، تفرق، یغارعلی، تغزون، السیر، فرار، السیف، عصیان، شجاع، الحرب، لایطاع

البته این زمانی است که متن صرفاً به موضوعی خاص پردازد، اما در غالب خطبه‌های نهج البلاغه این مسأله تا حدود زیادی متفاوت است. به عبارتی دیگر بیشتر خطبه‌های مورد تحقیق، به موضوعاتی متعدد پرداخته‌اند. این امر ارتباط موضوعی را در برخی خطبه‌ها از سراسر متن به ارتباطات فرعی و مقطعی تغییر می‌دهد، مثلاً در خطبه اول که توصیف الهی و آفرینش مخلوقات را در خود دارد، ارتباط موضوعی واژگان در هر بخش متفاوت می‌شود. در زیر به برخی واژگان مرتبط هر بخش از خطبه ۱ ذکر می‌گردد:

|               |  |
|---------------|--|
| توصیف الهی:   | الله، الحمد، الصفة، معرفة، توحید، موصوف، حد، حدث، بصیر و ....  |
| خلقت جهان:    | الله، احدث، أجواء، غرائز، هواء، الأرض، الريح، ماء، موج، فضاء، سماوات، كواكب، قمر، فلک و....  |
| خلقت ملائکه:  | الله، ملائکه، السموات، سجود، ركوع، يسبحون، أمناء، حفظة، سدنه، الأرضين، اجنحه و...  |
| خلقت آدم:     | الله، ارض، تربة، ماء، صلصلت، نفخ روحه، انسان، فكر، ودیعة سجود، ابليس، نار، صلصال، عداوة، شك، ندامة، جنة، هبوط                                    |
| بعث انبياء:   | الله، اصطفى، انبياء، وحی، ميثاق، تبليغ، رسالة، عبادة، بعث رسل، تذکر، نبی، مرسل، كتاب، منزل، حجة، خلق، مكذبین محمد، رسول، نبوت، هداهم             |
| قرآن و احكام: | الله، كتاب، حرام، حلال، فرائض، منسوخ، متشابه، محكم، مبين، فرض، سنة، ترك، واجب، حج، بيت الله الحرام قبله، دعوة، عبادة، تواضع، ملائکه، علم، استطاع |

بنابراین در خطبه اول که صرفاً به عنوان نمونه آورده شده، کاملاً مشخص است که پرداختن به موضوعات مختلف باعث شده در هر بخش از خطبه واژگانی خاص با یکدیگر ارتباط یابند، و طبیعی است این ارتباط در سطح فرعی صورت گرفته است، اما آنچه همه این بخشها را به هم مربوط می‌کند، محوریت و فاعلیت لفظ جلاله الله است که با تکرار در همه بخشها به عنوان حلقه وصل بخشهای مختلف عمل می‌کند. صرف نظر از محوریت «خداوند» در متنهای فرعی که در نقش کنش‌گر عمل کرده است در اغلب بخشها، واژه‌هایی حاکی از خالق بودن خداوند نیز دیده می‌شود و هم‌چنین با نگاه به یک از عنوانهای هر متن فرعی می‌توان مسیر آفرینش و هدفمندی خلقت را که برگرفته از آیات قرآنی است، در این زنجیره متنی دریافت:

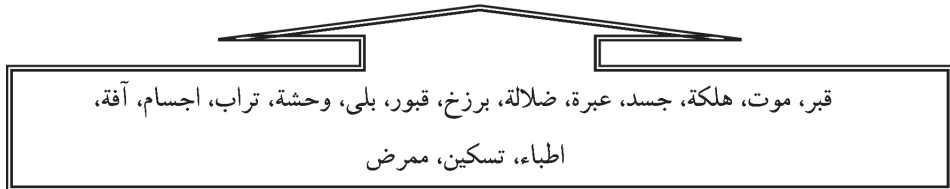
#### ما خلقت الجن و الانس الیعبدون



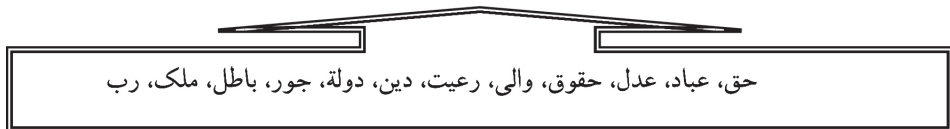
به عبارت دیگر عنوان هر بخش از خطبه‌ها یا متنهای فرعی در سطحی بالاتر با هم ارتباط موضوعی پیدا می‌کنند که همان سیر آفرینش و هدف از آن است و می‌توان هر یک از بخشهای خطبه را به عنوان یک قضیه در ساختار کلان مطرح کرد و در نهایت آیه شریفه و یا آیات مشابه را به عنوان ساختار کلان نهایی خطبه ارائه داد. این امر همبستگی مفهومی را که بین ساختارهای متن وجود دارد، بنابر نظر ون‌دایک به خوبی نشان می‌دهد (البرزی، همان:ص ۲۱۱-۲۲۰)

بنابراین در کل، دو گونه هم‌آبی را می‌توان در خطبه‌های نهج‌البلاغه مطرح نمود:

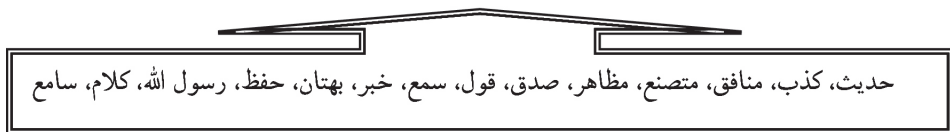
- ۱- هم‌آبی اصلی: که معمولاً در خطبه‌های با موضوع واحد وجود دارد مانند خطبه‌های زیر:  
خطبه ۲۲۱ با موضوع مرگ و مسائل مرتبط با آن :



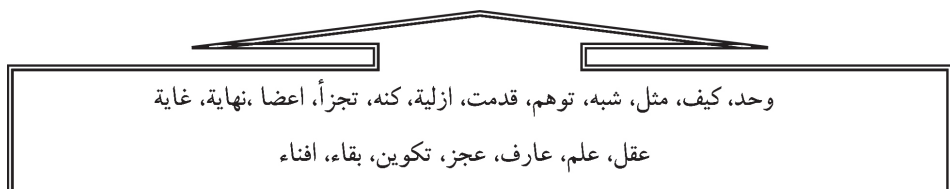
خطبه ۲۱۶ با موضوع حق رعیت و والی:



خطبه ۲۱۰ با موضوع تقسیم افراد در خصوص احادیث پیامبر:

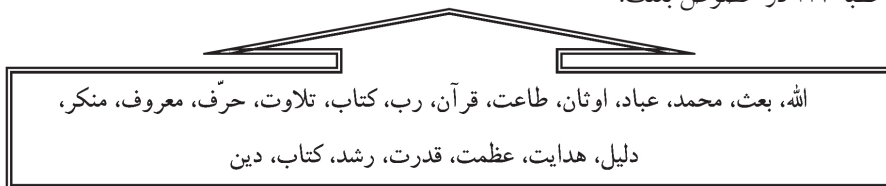


خطبه ۱۸۶ در توحید و اصول علم:

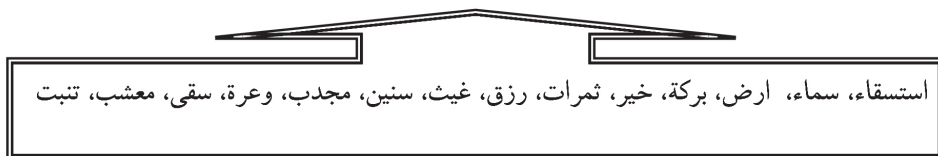




خطبه ۱۴۷ در خصوص بعثت:



خطبه ۱۴۳ در خصوص استسقاء



۲- هم‌آیی فرعی

در خطبه اول و خطبه‌هایی مانند خطبه غراء، اشباح و قاصعه که خطبه‌هایی طولانی هستند، دیده می‌شود

و هم‌چنین در خطبه ۱۸۵:

| بخش خطبه | موضوع بخش    | هم‌آیی فرعی                                      |
|----------|--------------|--|
| ۱        | ثنای الهی    | حدوث، وجود، ازلیت، خلق، مشاعر، اوهام و...        |
| ۲        | نبوت         | محمد، رسول، امین، حجت، بلاغ، رساله، ایمان، اسلام |
| ۳        | خلقت مورچه   | خلقت، ترکیب، جنه، هیئت، رزق، حبه، جحر، تجمع      |
| ۴        | آسمان و زمین | سماء، هواء، ریاح، ماء، شمس، قمر، نبات، شجر       |
| ۵        | آفرینش ملخ   | جرادۀ، زراع، زرع، ذبّ، الحرث، منجل               |

علاوه بر تعدد موضوعات فرعی هر خطبه که باعث تفاوت واژگان هم‌آیی هر بخش خطبه شده است، زبان استعاری و به کاربردن مجاز و تشبیه نیز باعث شده در برخی خطب، کمتر بتوان واژگانی یافت که سراسر خطبه را به لحاظ هم‌آیی به هم مرتبط سازند؛ بلکه زبان استعاری و همچنین تشبیه یک امر به موارد مختلف، سبب ورود معانی متفاوت استعاری می‌شود. در این حالت آنچه کمتر بتوان به عامل انسجامی یاد کرد ارتباط به موضوع معین است و لذا عوامل دیگر همچون تکرار و ارجاع است که حلقه اتصال یک معنا با دیگری متفاوت می‌شود. نمونه چنین حالتی را می‌توان در خطبه ۸۳ در نکوهش دنیا مشاهده کرد:

فَإِنَّ الدُّنْيَا رَتِقٌ مَشْرُبُهَا رَدْعٌ مَشْرَعُهَا يُونِقُ مَنظَرُهَا وَ يُوبِقُ مَحْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ صَوءٌ أَفْلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ

و سِنَادٌ مَائِلٌ حَتَّىٰ إِذَا أَنَسَ نَافِرُهَا وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَصَّتْ بِأَحْبِلِهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا وَ  
أَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَنِيَّةِ.

در عبارات بالا دنیا به آبخور، برکه، گیاه زیبا ولی خطرناک، غرور، نور، سایه، تکیه گاه، اسب رام نشدنی، شکارکننده، و اعدام کننده تشبیه شده است که این امر باعث می شود تا واژگان غیر متجانس در خطبه ها به کار روند، ولی این واژگان با داشتن مرجع یکسان و هم چنین مشبه واحد انسجام خود را از دست نداده است، لذا آنچه باعث می شود مخاطب با وجود واژگان نه چندان مرتبط جملات و عبارات را غیر منسجم نیابد، وجود مشبه واحد در همه این عبارات است که غالباً با یک ضمیر به عنوان حلقه وصل معانی مختلف عمل کرده است، مانند ضمیر «ها» در نمونه بالا.

از سوی دیگر تشبیه ها و استعاره ها گاه باعث هم آبی جزئی در بخشی از خطبه می شوند که چه بسا هیچ ارتباطی به موضوع اصلی پیدا نمی کنند. به طور مثال واژگان مرتبط زیر حاکی از این است که بخش حاوی این واژگان مربوط به طبابت و بیماری باشد:

طیب - طب - مراهم - مواسم - عمی - صم - بکم - دواء

اما در عبارات مربوطه امیرالمؤمنین (ع)، پیامبر اکرم (ص) را به طیب و مردمان را به بیمار و دین و هدایت را به طبابت تشبیه کرده است:

طَيْبٌ دَوَّارٌ بِطَيْبِهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَخْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمِي وَ آذَانِ  
صُمَّ وَالسِّنَّةِ بَكُمْ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ (خطبه ۱۰۸)

در این عبارات کاملاً مشخص است که وجود واژگان مرتبط صرفاً به انسجامی غیر ضرور در سطح واژگان استعاری انجامیده است، که در صورت نبود چنین انسجامی نیز متن دچار خدشه نمی شد، زیرا مخاطب همه استعاره های موجود را که با واژگانی غیر مرتبط آورده شده در ذهن خود به مرجعی خاص ارجاع می دهد، بدون آن که تعدد تشبیهات خللی در پیوستگی معنا ایجاد کند.

همچنین گاهی یک موضوع فرعی به موضوعی فرعی تر وارد شده و باعث هم آبی واژگانی خاص گردیده که تک تک آنها با موضوع پیشین ارتباط ندارند ولی مجموع این واژگان در حکم یک رابط نسبت به موضوع فرعی یا اصلی بالاتر عمل کرده اند (خطبه ۲۲۱):

### مرگ

|     |    |     |     |     |    |    |     |    |     |    |    |
|-----|----|-----|-----|-----|----|----|-----|----|-----|----|----|
| ق   | آ  | اج  | ت   | و   | م  | ب  | ب   | ج  | ه   | م  | ق  |
| بور | فۀ | سام | راب | حشۀ | رض | لی | رزخ | سد | لکۀ | وت | بر |

اطباء، تسکین، ممرض، معلل،  
طبائع، البرودة، الحرارة

### ۲-۲: تقابل

تقابل واژگانی نیز در بین انواع هم آیی و حتی دیگر انواع انسجام واژگانی همچون تکرار و ترادف، از اهمیت و کارکرد قابل توجهی در خطبه‌های نهج البلاغه برخوردار است. این گونه هم آیی هم در درون یک جمله و هم بین دو جمله مشاهده می‌شود. از این رو تقابلهای موجود در نهج البلاغه را می‌توان به دو گونه «نزدیک» و «دور» تقسیم کرد و از میان نمونه‌های بسیار متعدد که تقریباً در همه خطبه‌ها موجود است، مثالی را ارائه کرد و در ادامه به نقش و چگونگی کارکرد آن در ایجاد انسجام متنی اشاره می‌شود.

### ۲-۲-۱: تقابل نزدیک

در این نوع تقابل با واژگان متباینی روبرو هستیم که در یک جمله واقع شده‌اند. طرز قرار گرفتن واژگان متباین نیز دارای وجوه مختلفی است:

شیوه ۱ - گاهی دو واژه متضاد به هم اضافه شده‌اند:

فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ وَ بَصْرٌ عَمَى أَفْتَدِيكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طُهورٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَ جَلَاءٌ عَسَا أَبْصَارِكُمْ وَ أَمْنٌ فَرَعَ جَأَشِكُمْ وَ ضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ (خطبه ۱۹۸)

شیوه ۲ - و یا به هم عطف شده‌اند:

إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَ بَاطِلًا وَ صِدْقًا وَ كَذِبًا وَ نَاسِخًا وَ مَنْسُوخًا وَ عَامًّا وَ خَاصًّا وَ مُحْكَمًا وَ مُتَشَابِهًا وَ حَفِظًا وَ وَهْمًا (خطبه ۲۱۰)

وَ مَا الْجَلِيلُ وَ اللَّطِيفُ وَ التَّقْبِيلُ وَ الخَفِيفُ وَ الْقَوِيُّ وَ الضَّعِيفُ فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءٌ (خطبه ۱۸۵)

شیوه ۳ - گاهی دو واژه متضاد به شکل موصوف و صفت به کار رفته‌اند:

مَا لِي أَرَاكُمْ ... أَيَقَافًا نُومًا وَ شُهُودًا غَيْبًا وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ وَ سَامِعَةً صَمَاءَ وَ نَاطِقَةً بَكْمَاءَ ... (خطبه ۱۰۸)

شیوه - گاهی نیز دو واژه متضاد در کنار هم اما در نقش مبتدا و خبر و امثال آن قرار گرفته‌اند:

حَالُهَا انْتِقَالَ وَوَطَأَتْهَا زَلْزَالَ وَعَزَّهَا ذُلٌّ وَجَدَّهَا هَزْلٌ وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ (خطبه ۱۹۱)  
وَلَا وَعُوْتَهُ لِسُهُوْلَتِهِ وَلَا سَوَادٌ لَوْضِحِهِ وَلَا عَوَجٌ لِانْتِصَابِهِ وَلَا عَصَلٌ فِي عُوْدِهِ وَلَا وَعَثَ لِفَجْحِهِ وَلَا  
انْطِقَاءَ لِمَصَابِيحِهِ وَلَا مَرَارَةَ لِحَلَاوَتِهِ... (خطبه ۱۹۸)

شیوه ۵ - گاهی نیز با فاصله‌ای اندک در یک جمله یا عبارت، زنجیره‌ای از تقابل را ایجاد کرده‌اند:  
ضَادُّ النُّورِ بِالظُّلْمَةِ وَ الوُضُوحَ بِالْبُهْمَةِ وَ الْجُمُودَ بِالْبَلْبَلِ وَ الحُرُورَ بِالصَّرْدِ مُؤَلَّفٌ بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا مُقَارَنٌ بَيْنَ  
مُتَبَايِنَاتِهَا مُفْرَبٌ بَيْنَ مُتَبَاعِدَاتِهَا مُفَرَّقٌ بَيْنَ مُتَدَانِيَاتِهَا (۱۸۶).... مِنْ حَالٍ وَحَشَةٍ إِلَى حَالِ اسْتِنَاسٍ وَ لَا مِنْ  
حَالِ جَهْلِ وَ عَمَى إِلَى حَالِ عِلْمٍ وَ التَّمَاسِ وَ لَا مِنْ فَقْرٍ وَ حَاجَةٍ إِلَى غِنَى وَ كَثْرَةٍ وَ لَا مِنْ ذُلٍّ وَ ضَعْفٍ إِلَى  
عِزٍّ وَ قُدْرَةٍ (خطبه ۱۸۶)

شیوه ۶- گاهی نیز دو واژه متقابل یکی در ابتدا و دیگری در انتهای یک جمله و یکی به شکل اسم و دیگری به شکل فعل آمده‌اند:

فَمَنْ أَحَدَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوِّهَا وَ اخْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ  
بَعْدَ تَرَكَمِهَا وَ أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ بَعْدَ قُحُوطِهَا. وَ تَحَدَّثَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ  
نُفُورِهَا وَ تَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النِّعَمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَ وَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبِرْكَةُ بَعْدَ إِرْدَادِهَا. (خطبه ۱۹۸)

در این سطح از تقابل گرچه دو واژه متقابل از سطح جمله خارج نشده‌اند و شاید به نظر برسد که این حالتها صرفاً یک آرایه ادبی محسوب می‌شود؛ اما با ملاحظه چند نکته، اهمیت این سطح از تقابل در ایجاد انسجام متنی کاملاً مشخص می‌شود: در این حالات معمولاً یک یا دو تقابل وجود ندارد، بلکه در غالب اوقات زنجیره‌ای از تقابلها به دنبال هم می‌آیند که در آن واژگان متقابل در جملات و عباراتی با ساخت نحوی یکسان، علاوه بر ایجاد تداوم و استمرار متن، همراهی برخی دیگر از عوامل انسجام مانند ترادف یا تکرار و انسجام آوایی سجع و موازات نحوی را باعث شده‌اند، مانند:

ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي... أَذَلَّ الْأَدْيَانَ بِعِزَّتِهِ وَ وَضَعَ الْمَلَلَ بِرَفْعِهِ وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكَرَامَتِهِ وَ خَدَلَ  
مُحَادِّبِهِ بِنَصْرِهِ وَ هَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ. (خطبه ۱۹۸)  
لَكِنَّهُمْ سُفُورًا كَأَسَا بَدَلْتَهُمْ بِالنُّطْقِ خَرَسًا وَ بِالسَّمْعِ صَمَمًا وَ بِالْحَرَكَاتِ سُكُونًا... فَكُلُّهُمْ وَحِيدٌ وَ هُمْ جَمِيعٌ وَ  
بِجَانِبِ الْهَجْرِ وَ هُمْ أَخِلَاءٌ لَا يَتَعَارَفُونَ لِلَّيْلِ صَبَاحًا وَ لَا لِنَهَارٍ مَسَاءً (خطبه ۲۲۱)

از این رو، کارکرد این اشکال از تقابل در خطبه‌ها از این حیث دارای اهمیت انسجامی است که با عوامل دیگری همچون تکرار و موازات همراه است و در اشکال یکسانی از عبارات و جملات همراهی می‌کند که دارای یک نقطه اشتراک (حلقه اتصال) هستند و آن وجود تقابل در همه آنهاست.

## ۲-۲-۲: تقابل دور

در این سطح، دو واژه که به هر نوعی باهم در تقابل و یا تضاد هستند در دو جمله پیوسته ذکر می‌شوند و به دلیل تقابلی که با هم دارند طبیعتاً باعث اتصال معنایی دو جمله با یکدیگر می‌شوند و اگر نقش اعرابی دو واژه نیز یکسان باشد، یعنی هر دو مبتدا یا خبر یا فاعل یا مفعول باشند، نقش انسجامی این حالت بسیار بیشتر به چشم می‌آید.

اشکال و نمونه‌هایی متعدد از این نوع تقابل در خطبه‌های نهج البلاغه به چشم می‌خورد:

...فَلَا يَسْتَوْحِشُ لِعَظِيمٍ حَقٌّ عَظْلٌ وَلَا لِعَظِيمٍ بَاطِلٌ فُعِلَ فُهَذَاكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارِ وَ تَعَزُّ الْأَشْرَارِ ..

الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ إِنْ كَانَ فِي الْغَافِلِينَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِينَ وَإِنْ كَانَ فِي الذَّاكِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ

... غَائِبًا مُنْكَرُهُ حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ مُقْبَلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ (خطبه ۱۹۳)

تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْظًا وَ الْمَطْرُ قَيْظًا وَ تَفِيضُ اللَّئَامِ فَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غَيْضًا ... وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكُذْبُ

وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةَ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسْبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا (خطبه ۱۰۸)

همان‌طور که در مثالهای بالا دیده می‌شود واژگان متقابل گاهی بیش از یک واژه است که به «مقابله»

می انجامد. مقابله در علم بدیع یکی از آرایه‌های مهم معنایی است، اگرچه آنجا بیشتر جنبه زیبایی شناختی مطرح بود اما در اینجا جنبه انسجامی و ارتباطی که واژگان متقابل در دو جمله ایجاد می کنند، مطرح است. تقابل بین جملات که از آن با نام تقابل دور نام بردیم به مراتب از کارکرد انسجامی بیشتری نسبت به تقابل نزدیک برخوردار است و اگر واژگان متقابل از دو واژه بیشتر شود به این معنا است که جمله نقطه اتصالی بیشتر با جمله بعدی پیدا می کند و به دیگر سخن کل جمله به لحاظ معنایی در جمله بعد به گونه‌ای دیگر تکرار می شود. این دو گانگیها اگر نه در دو جمله متتابع که در زنجیره‌ای از جملات تکرار شود، به انسجام و یکپارچگی متن کمکی قابل ملاحظه می کند. به ویژه که تقابلهای موجود در خطبه‌های نهج البلاغه بیشتر به همراه عوامل دیگری همچون عامل آوایی سجع و موازات و عامل واژگانی تکرار دیده می شود. همه اینها در کنار هم، متن را در سطح بالاتری از تأثیر گذاری قرار می دهد که لازمه خطبه‌های وعظی است. در ادامه کار کردهای انسجامی تقابل اعم از تقابل نزدیک و تقابل دور در خطبه‌های نهج البلاغه بیان می شود.

۲-۲-۳: تقابل و ایجاد تکرار

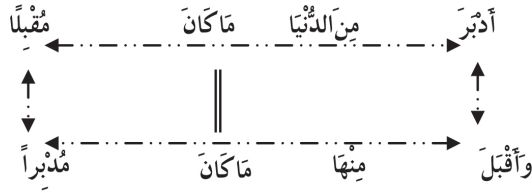
عامل تقابل علاوه بر ایجاد اتصال معنایی بین جملات در مواقعی متعدد با تکرار مستقیم و یا جزئی واژگان نیز همراه می شود و ارتباط بیناجمله‌ای را افزایش می دهد.

به نمونه‌ای از خطبه ۱۰۹ توجه کنید که در آن تقابل با تکرار واژه «کل» به انسجام جملات کمک کرده و همچنین تکرار واژه «من» به عنوان حلقه اتصال جملات متقابل عمل کرده است:

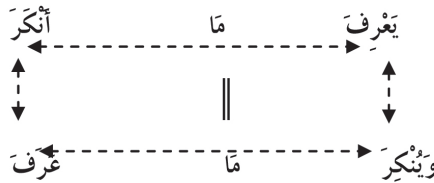
غَنِي كُلُّ فَتِيرٍ وَعَزُّ كُلُّ ذَلِيلٍ وَقُوَّةُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَمَفْرَعُ كُلِّ مَلْهُوفٍ مَنْ تَكَلَّمَ سَمِعَ نَطْقَهُ وَمَنْ سَكَتَ عَلِمَ سِرَّهُ وَمَنْ  
عَاشَ فَعَلَيْهِ رِزْقُهُ وَمَنْ مَاتَ فَإِلَيْهِ مُنْقَلَبُهُ... وَلَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مِنْ عَصَاكَ وَلَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِنْ أَطَاعِكَ وَلَا يَرُدُّ  
أَمْرَكَ مِنْ سَخِطِ قَضَاءِكَ وَلَا يَسْتَعْنِي عَنكَ مَنْ تَوَلَّى عَنْ أَمْرِكَ كُلُّ سِرٍّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ

و گاهی مقابله موجود با همراهی تکرار به «صنعت عکس» انجامیده است که یکی از نقاط اشتراک الگوی انسجام و علم بدیع محسوب می شود و حتی صنعت رد العجز علی الصدر و همچنین صنعت:

إِنَّهُ قَدْ أَدْبَرَ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ مُقْبِلًا وَأَقْبَلَ مِنْهَا مَا كَانَ مُدْبِرًا (خطبه ۱۸۲)

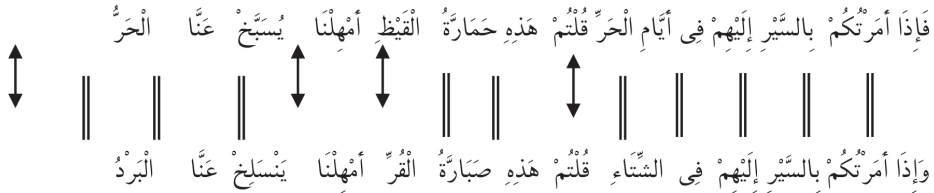


حَتَّى يَعْرِفَ مَا أَنْكَرَ وَ يُنْكَرَ مَا عَرَفَ (خطبه ۱۷۶)



۲-۲-۴: مقابله و انسجام قوی

مقابله یا همان تقابل بیش از یک واژه، گاهی عامل اصلی اتصال و ارتباط معنایی کلام است و در واقع تقابل و مقایسه دو وضعیت را به خوبی نمایان می‌سازد، در این حالت نیز تقابل باعث همراهی دو عامل تکرار و ارجاع شده است:



كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرَّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرَّ تَفْرُونَ فَانْتُمْ وَاللَّهُ مِنَ السَّيْفِ أَمْرٌ (خطبه ۲۷)

در این مثال، وجود واژگان متقابل از یک سو و واژگان تکراری از سوی دیگر به طور کامل دو وضعیت متضاد را که دارای اشتراکاتی نیز هست به وضوح ترسیم می‌نماید. نقش عامل تقابل وقتی نمایان می‌شود که ملاحظه می‌کنیم چگونه این عامل، تقابل معنایی و پیوستگی معنایی ناشی از تضاد و تقابل دو وضعیت را به شکل زیبایی در سطح روین واژگان نیز نمودار می‌سازد. نمونه‌های زیبای دیگری از این

نوع تقابلی واژگانی که به تقابلی کلی انجامیده دیده می‌شود، در اینجا بخشی از خطبه ۱۴۷ ذکر می‌شود که موضوع آن در توصیف و پیش بینی امام علی (ع) نسبت به روزگاری بعد از خود است:

وَلَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سَلْعَةٌ أَبْوَرُّ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ



وَلَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ



وَلَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ (خطبه ۱۴۷)

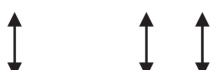
نمونه دیگر از این نوع قدرت انسجامی را در خطبه ۲۲۱ مشاهده می‌کنیم که یک محضر را در مواجهه

با بیماریهای دشوار پایان عمرش توصیف می‌نماید:

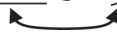
فَفَزِعَ إِلَى مَا كَانَ عَوْدَهُ الْأَطْيَاءُ مِنْ تَسْكِينِ الْحَارِّ بِالْقَارِّ



وَتَحْرِيكِ الْبَارِدِ بِالْحَارِّ فَلَمْ يُطْفِئِ بِبَارِدٍ إِلَّا نَوَّرَ حَرَارَةً



وَلَا حَرَكَ بَحَارٍ إِلَّا هَيَّجَ بُرُودَةً (خطبه ۲۲۱)





۲-۵: استمرار متنی به وسیله تقابل

تقابل در خطبه‌های نهج‌البلاغه گاهی علاوه بر موارد یاد شده، به عامل اصلی استمرار و تداوم متن تبدیل می‌شود و آن زمانی است که زنجیره‌ای از تقابلها به دنبال هم شکل بگیرد و صرف نظر از همراهی دیگر عوامل انسجامی همچون تکرار و ارجاع، خود به عنوان عامل اصلی تداوم و استمرار متن عمل می‌کند و متن‌سازی می‌نماید. در بین نمونه‌های مختلف به این بخش از خطبه ۱ اشاره می‌شود که در آن صرفاً عامل تقابل است که متن را پیش می‌برد، گویی که آنچه امیرالمؤمنین (ع) قصد داشته القا کند وجود دو وضعیت متفاوت است که در جهان معنای مدنظرشان شکل گرفته و حضرت آن را در ایجاد تقابلهای موازی و رودررو به بهترین شکل و صورت نشان می‌دهند و با همراهی متوازن عواملی مانند ارجاع و تکرار نه تنها متن را منسجم بلکه به آن گیرایی و قابلیت بیشتر می‌بخشد:

كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ مَبِينًا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ رُخْصَهُ وَ عَزَائِمَهُ وَ

خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ وَ عِبْرَهُ وَ أَمْثَالَهُ وَ مَرْسَلَهُ وَ مَحْدُودَهُ وَ مُحْكَمَهُ وَ مُشَابِهَهُ مَفْسَرًا مُجْمَلَهُ وَ مَبِينًا غَوَامِضَهُ بَيْنَ

مَا خُوذَ مِيثَاقُ عِلْمِهِ وَ مَوْسَعٍ عَلَى الْعِبَادِ فِي جَهْلِهِ وَ بَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَوْضَهُ وَ مَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخَهُ وَ

وَاجِبٍ فِي السُّنَّةِ أَخَذَهُ وَ مَرَّضٍ فِي الْكِتَابِ تَرَكَّهُ وَ بَيْنَ وَاجِبٍ بَوَقْتِهِ وَ زَائِلٍ فِي مُسْتَقْبَلِهِ وَ مُبَايِنٍ بَيْنَ

مَحَارِمِهِ مِنْ كَبِيرٍ أَوْ عَدَدٍ عَلَيْهِ نِيرَانَهُ أَوْ صَغِيرٍ أَرُصِدَ لَهُ غُفْرَانَهُ وَ بَيْنَ مَقْبُولٍ فِي أَدْنَاهُ مَوْسَعٍ فِي أَقْصَاهُ (خطبه ۱)

به لحاظ معنایی، وجود تقابل فراوان در خطبه‌های نهج‌البلاغه فضای خطبه‌ها را به تقابلی کلی‌تر و رویارویی خیر و شر تبدیل کرده است. جبهه‌ای که در یک سوی آن، واژگان سفید قرار دارند و در سوی دیگر واژگان سیاه. یک سو جبهه حق قرار دارد و در مقابل جبهه شر، در یک جهت مؤمنین و پرهیزگاران دیده می‌شوند و در سوی دیگر منافقان و فاسقان، در یک سو خدا است و دوستان او و در سوی دیگر

شیطان و پیروان او، در یک طرف دنیای فانی و دنیاپرستان و در سوی دیگر دنیای باقی و امیدواران به آن؛ در پایان، قسمت کوتاهی از خطبه ۱۱۴ ارائه می‌شود که نشان‌دهنده کارکرد تقابل در ایجاد انسجام در موارد زیر است:

– نقش آن در انسجام معنایی متن؛

– نقش آن در وحدت ارجاعات متنی؛

– نقش آن در ایجاد عوامل دیگری همچون تکرار و موازات؛

– و در پایان نقش آن در نمایاندن جنبه خیر و شر و تقابل آن‌دو در فضای کلی متن نهج البلاغه.

فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَهْوَىٰ سُرُورَنَا وَ أَظْمَأَ رَبِّهَا وَ أَضْحَىٰ فَيْثُهَا نَا جَاءَ يَرُدُّ



وَ نَا مَاضٍ يَرْتَدُّ فَسُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَقْرَبَ النَّاسِي مِنَ النَّسِيَةِ يَلْحَاقُهُ بِهِ

↕↕↕↕  
وَ أَبْنَةَ النَّسِيَةِ مِنَ النَّاسِيَةِ يَأْتِيهَا بِهِ عَنَّةٌ

إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِشَرِّ مِنَ الشَّرِّ إِذَا عَقِبَهُ

↕↕↕↕↕

وَ لَيْسَ شَيْءٌ بِخَيْرٍ مِنَ الْخَيْرِ إِذَا تَوَابَهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سِتَاعَةٌ أَعْظَمُ مِنَ عِيَانِهِ

↕↕↕↕↕

وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانَةٌ أَعْظَمُ مِنَ سِتَاعِهِ فَلْيَتَّقِكُمْ مِنَ النَّبِيِّ اسْتِغَاةً

↕↕↕↕  
وَ مِنَ الْغَيْبِ الْغَيْبُ

وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ

↕↕↕↕↕

مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ وَ زَادَ فِي الدُّنْيَا فَكَمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَاجِعٍ

↕↕

وَ تَزِيدٍ خَاسِرٍ إِنَّ الَّذِي أَمَرْتُمْ بِهِ أَوْسَعَ مِنَ الَّذِي

↕↕↕↕  
نَهَيْتُمْ عَنْهُ وَ مَا أَجَلُ لَكُمْ

↕↕↕↕  
أَقْفَرُ مِمَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

فَذَرُّوا مَا قَلَّ

↕↕

لِمَا كَثُرَ وَ مَا ضَاقَ

↕↕

لِمَا اتَّسَعَ ..... (خطبه ۱۱۴)

### جدول انواع هم‌آیی

| هم‌آیی          |                  |                |               |              |               |               |       |
|-----------------|------------------|----------------|---------------|--------------|---------------|---------------|-------|
| مجموع<br>هم‌آیی | مجموعه<br>نامنظم | مجموعه<br>منظم | شمول<br>مشترک | جزء به<br>کل | جزء به<br>جزء | موضوع<br>معین | تقابل |
| ۱۷۰             | ۰                | ۰              | ۱             | ۴            | ۲۲            | ۱۰۹           | ۳۴    |
| ۲۱              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۱۴            | ۷     |
| ۵۵              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۴             | ۴۱            | ۱۰    |
| ۱۱۶             | ۰                | ۰              | ۲             | ۳            | ۱۲            | ۸۴            | ۱۵    |
| ۳۹              | ۰                | ۰              | ۱             | ۰            | ۲             | ۲۱            | ۱۵    |
| ۱۸۷             | ۰                | ۰              | ۰             | ۷            | ۱۱            | ۱۳۴           | ۳۵    |
| ۳۴              | ۰                | ۰              | ۱             | ۰            | ۶             | ۱۰            | ۱۷    |
| ۹۱              | ۰                | ۰              | ۰             | ۲            | ۱۷            | ۴۶            | ۲۶    |
| ۴۵              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۱۷            | ۲۸    |
| ۵۶              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۱۵            | ۴۱    |
| ۲۶              | ۰                | ۰              | ۰             | ۳            | ۰             | ۱۷            | ۶     |
| ۴۴              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۲۱            | ۲۳    |
| ۲۶              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۲۱            | ۵     |
| ۱۶              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۱۲            | ۴     |
| ۳۴              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۰             | ۲۳            | ۱۱    |
| ۵۳              | ۰                | ۰              | ۲             | ۰            | ۹             | ۲۸            | ۱۴    |
| ۶۱              | ۴                | ۰              | ۰             | ۴            | ۱۷            | ۳۲            | ۴     |
| ۷۴              | ۰                | ۰              | ۱             | ۰            | ۲             | ۳۸            | ۳۳    |
| ۴۴              | ۰                | ۰              | ۱             | ۰            | ۱             | ۲۲            | ۲۰    |
| ۴۶              | ۰                | ۰              | ۰             | ۱            | ۳             | ۲۲            | ۲۰    |
| ۹۳              | ۰                | ۰              | ۶             | ۵            | ۲۰            | ۴۵            | ۱۷    |
| ۷۵              | ۰                | ۰              | ۱             | ۵            | ۵             | ۳۱            | ۳۳    |
| ۴۰              | ۰                | ۰              | ۰             | ۰            | ۶             | ۱۸            | ۱۶    |
| ۲۱۲             | ۰                | ۰              | ۷             | ۹            | ۲۲            | ۱۳۸           | ۳۶    |

|      |   |   |    |    |     |      |     |
|------|---|---|----|----|-----|------|-----|
| ۶۴   | ۰ | ۰ | ۰  | ۱  | ۱۰  | ۲۶   | ۲۷  |
| ۷۱   | ۰ | ۰ | ۱  | ۳  | ۲   | ۳۵   | ۳۰  |
| ۴۸   | ۰ | ۴ | ۰  | ۰  | ۰   | ۳۰   | ۱۴  |
| ۳۱   | ۰ | ۰ | ۰  | ۰  | ۰   | ۱۷   | ۱۴  |
| ۷۵   | ۰ | ۰ | ۰  | ۵  | ۱۴  | ۲۹   | ۲۷  |
| ۲۵   | ۰ | ۰ | ۰  | ۰  | ۱   | ۱۴   | ۱۰  |
| ۱۹۷۲ | ۴ | ۴ | ۲۴ | ۵۲ | ۱۸۶ | ۱۱۱۰ | ۵۹۲ |

## نتیجه‌گیری

۱. از بین عوامل مختلف هم‌آیی واژگانی دو نوع ارتباط به موضوع معین و تقابل در تمام خطبه‌های مورد مطالعه وجود دارد، و برخی مانند ارتباط به مجموعه منظم و نامنظم تقریباً بسامد و کارکردی خاص در نهج البلاغه ندارند؛

۲. هم‌آیی ارتباط به موضوع معین را می‌توان در خطبه‌های نهج البلاغه به دو گونه تقسیم کرد. هم‌آیی اصلی و هم‌آیی فرعی. هم‌آیی اصلی غالباً در خطبه‌هایی با حجم متوسط به شکل زنجیره اتصال کل خطبه عمل می‌کند و تقریباً از ابتدا تا انتهای خطبه کشش دارد. هم‌آیی فرعی در خطبه‌های بلند و بسیار بلند دیده می‌شود به این صورت که هر بخش از خطبه با توجه موضوع فرعی آن بخش، حاوی زنجیره‌ای از واژگان مرتبط است که در مجموع با تکیه بر برخی واژگان محوری تر ساختارهای خرد متن را در ساختار کلان متن هضم و به دیگر فرازهای خطبه متصل می‌کنند و موضوع اصلی خطبه را می‌نمایانند؛

۳. نوع تقابل نیز خطبه‌های نهج البلاغه از خاصیت انسجامی و تحسینی فراوان برخوردار است. این عامل به دو گونه نزدیک و دور در خطبه‌ها قابل بررسی است. در تقابل نزدیک گرچه دو عنصر زبانی متقابل در یک جمله و حتی کنار هم قرار دارند اما تکرار پیوستار تقابلهای نزدیک، شکل دهنده سبکی بیانی و گونه‌ای از انسجام زبانی را ظاهر می‌سازد. و تقابل دور نیز در عناصر زبانی بین دو جمله و بیشتر مشاهده می‌شود که در مجموع می‌توان گفت تقابل به عنوان یک عامل انسجامی - بلاغی، تأثیر قابل توجهی در انسجام معنایی خطبه، وحدت ارجاعی، تعامل و مشارکت زیبایی‌شناختی با دیگر عوامل انسجام مانند تکرار و موازات نحوی و همچنین ایجاد فضایی دو گانه در ساختار کلی خطبه ایفا می‌کند؛

۴. با نگاه به جدول بسامد انواع هم‌آیی مشخص می‌شود که ارتباط به موضوع معین و تقابل اکثریت هم‌آیی موجود در خطبه‌ها شامل می‌شود.

## منابع و مأخذ

## منابع فارسی

۱. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۲. البرزی، پرویز (۱۳۸۶ش)، مبانی زیانسناسی متن، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.
۳. خطابی، محمد (۲۰۰۶م)، لسانیات النص، المركز الثقافی العربی، چاپ دوم، الدار البیضاء.
۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹ش)، ترجمه نهج البلاغه امام علی علیه السلام، مؤسسه انتشارات مشهور، قم.
۵. العدواني، خالد حسن (۲۰۰۸م)، دراسات الجملة العربیة و لسانیات النص، جامعة حلب، حلب.
۶. عمر، احمد مختار (۱۹۸۲م)، علم الدلالة، مكتبة دار العروبة للنشر و التوزيع، كويت.
۷. فان دایک (۲۰۰۱م)، علم النص مدخل متداخل الاختصاصات، ترجمه سعید حسن بحیری، دارالفاره للكتاب، قاهره.
۸. فرج، حسام احمد (۲۰۰۷م)، نظریه علم النص، مكتبة الآداب، قاهره.
۹. الفقی، صبحی ابراهیم (بی تا)، علم اللغة النصی، بین النظریة و التطبيق، دار قباء للطباعة و النشر و التوزيع، قاهره.
۱۰. لطفی بورساعدی، کاظم (بی تا)، «درآمدی برسخنکاو»، مجله زیانسناسی، سال نهم، شماره ۱، صص ۹-۳۹، تهران.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ش)، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۲. محمد، عزة شبل (۲۰۰۷م)، علم لغة النص، مكتبة الآداب، قاهره.
۱۳. معادی خواه، عبدالمجید (۱۳۷۴ش)، خورشید بی غروب نهج البلاغه، نشر ذره، تهران.
۱۴. مغنیه، محمد جواد (۱۹۸۰م)، فی ظلال نهج البلاغه، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۵. مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶ش)، به سوی زیانسناسی شعر، نشر مرکز، تهران.
۱۶. هاشمی، احمد (۱۳۸۱ش)، جواهر البلاغه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.

## منابع لاتین

1. Halliday & Hasan (1976) Cohesion in English, London: Longman.